



- <https://khabaronline.ir/xmsGM>
- ۳۰ تیر ۱۴۰۳ - ۱۳:۰۶
- کد خبر 1934410
- اخبار سیاسی / احزاب و شخصیت‌ها

تکرار یک اشتباه از سوی قالیباف

ساسان کریمی

انتخابات تمام شد و حالا موضوعات مختلفی جانشین آن همه شور و اضطراب شده است.

واقعیت این است که انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم نه از جنس آنچه در انتخابات منجر به اصلاحات دیده بودیم بود، نه اعتدال و نه حتی چیزی شبیه به انتخابات سه سال قبل.

از آنجا که منقول است هر اتفاقی (به خصوص در سیاست) تنها یک بار می‌افتد، باید اذعان کرد که رخدادهای دوماه گذشته به کلی از جنسی دیگر بود.

نکته اول اینکه به واسطه‌ی از دست رفتن رئیس جمهور سیزدهم در سانحه فاجعه بار هوایی، تا حدی شرمگینانه بود؛ نقد دولت مستقر از حدی فراتر نمی‌رفت، وحدت میان جریان‌های پشتیبان دولت و نیز داخل خود کابینه‌ی سیزدهم به واسطه‌ی فقدان راس آن چندان میسر نبود. دیگر آنکه به واسطه‌ی از میان رفتن نوعی رودرپایستی سیاسی میان جریان‌های اصولگرا، شاهد شدیدترین وجه اختلاف و تخریب درون گروهی در داخل این جریان بودیم، به طوری که لاقلاً در مرحله‌ی نخست انتخابات بیشتر انرژی هر کدام از دو نامزد اصلی جریان اصولگرا به این رقابت داخلی انجامید.

نهایتاً اما با عمیق شدن شکاف و زیاد شدن فاصله‌ی دیدگاه‌های دو نامزد باقی‌مانده در دور دوم انتخابات، مشارکت افزایش یافت و نامزد مقابل که حمایت جبهه اصلاحات و جریان میانه‌رو سیاست ایران را به عهده داشت و شاخص‌ترین افراد برای او به پوییش پرداخته بودند پیروز شد. اما تحلیل آرا در مقایسه با آراء انتخابات ۱۴۰۰ نشان می‌دهد لاقلاً پنج میلیون رای از سبد رای اصولگرایی کاسته شده و احتمالاً با توجه به تکلیف بودن مشارکت در نگاه بسیاری از این لایه از رای دهندگان، این میزان به سبد رای مسعود پزشکیان افزوده شده است.

خاستگاه توده‌ای پیروز انتخابات چهاردهم، ساده زیستی و بی‌تکلف سخن گفتن او و مهمتر از همه استنادات متعددش به کلام‌الله، نهج‌البلاغه و روایات در جلب نظر لایه مذهبی سنتی ولی غیرسازمانی جامعه که سنتاً در سبد رای اصولگرایان دسته‌بندی و تحلیل می‌شدند موثر افتاد. همچنین پوییش و کارزار حرفه‌ای و سازمان‌یافته‌ی اصلاح‌طلبان از یک سو و مهمتر از همه پرمایه‌ترین کنشگری از جانب پررنگ‌ترین دیپلمات جمهوری اسلامی ایران یعنی محمد جواد ظریف علیرغم تلاش تام و تمام براندازان و نیز ترغیب‌های تندروهای داخلی، به شکستن آنچه در سالهای اخیر به "تحریم انتخابات" نامیده میشد انجامید.

در عین حال، کنار نرفتن محمد باقر قالیباف و سعید جلیلی به سود یکدیگر در دور اول انتخابات و بیشتر بودن رای سعید جلیلی و راهیابی او به دور دوم موجب شد رای رئیس مجلس شورای اسلامی که از نظر دسته‌بندی‌های سیاسی اصولگرایی توسعه‌گرا نامیده می‌شد، به طور کامل به سبد سعید جلیلی افزوده نشود. در یک تحلیل اولیه می‌توان گفت شاید کناره‌گیری سعید جلیلی به سود قالیباف بر پیروزی آنچه جبهه انقلاب نامیده میشد مؤثرتر میشد تا برعکس آن. چرا که آرا سعید جلیلی منسجم‌تر، تقلیدی‌تر و ایدئولوژیک‌تر بودند و در صورت حمایت نامزدشان از محمدباقر قالیباف این حدس متصور بود که این تصمیم با همراهی بدنه‌ی رای او توأم شود.

ولی از آنجا که تحلیل بر آن است که بدنه‌ی رای قالیباف کمتر وجوه ایدئولوژیک را در انتخاب خود دخیل کرده و بیشتر به دنبال وجود دیگر این نامزد یعنی تصویر پرکاری و حمایت در نهادهای مختلف بود که او را نامزد مطلوب خود میدیدند و بنابراین الزاماً در دوقطبی پزشکیان-جلیلی به نامزد اصولگرایان رای نمی‌دادند؛ امری که به نظر می‌رسد چندان هم خلاف واقع نبود در دور دوم انتخابات اگر وزنه را به سمت نامزد اصلاح‌طلبان سنگین نکرد لاقلاً امتیازی هم برای سعید جلیلی محسوب نشد.

اما آنچه باید از نگاهی تئوریک به سیاست‌ورزی و جریان‌شناسی، موضوع تحلیل واقع شود میزان رای پایین آقای قالیباف در این انتخابات است. رای محمد باقر قالیباف با سابقه در جنگ تحمیلی، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، شهرداری تهران و ریاست مجلس شورای اسلامی در نگاه نخست نباید محدود به سه میلیون نفر باشد. این عدد تقریباً همه و از همه بیشتر خود او را شگفت زده کرد. اما اگر دقیق‌تر به موضوع خاستگاه رای او بنگریم، این موضوع چندان هم دور از ذهن نخواهد بود. قالیباف از ۱۳۸۴ آغاز به رقابت در صحنه‌ی انتخابات ریاست جمهوری وارد شده است. اما آنچه او را از توفیق باز داشته، تغییرات متعدد کاراکتر و وجهه او در صحنه‌ی سیاسی کشور است.

او در اولین حضورش در انتخابات، به واسطه‌ی فضای برساخته‌ی دوران اصلاحات، خود را به عنوان یک تکنوکرات نوگرا و با ظاهری معرفی کرد که بیشتر بدنه‌ی رای اصلاحات را ولی با تزریق اقتدار نظامی نشانه گرفته بود. اما این برساخته محاسبه شده در آن فضا و با تنوع نامزدهای اصلاح طلب و اصولگرایی بلندقد، نتوانست نظر غالب را به خود جلب کند و توفیق احمدی نژاد تقریباً همگان را شگفت زده کرد. محمد باقر قالیباف اما به جای ماندن در آن تصویری که یک بار با تغییر ظواهر و کاراکتر سیاسی خود به آن رسیده بود، دوباره تلاش کرد خود را با فضای جدید غالب یعنی احمدی نژاد تطابق دهد.

در ادامه او مجدداً خاستگاه سیاسی انقلابی و بعد اصولگرایی میانه رو را تجربه کرد و این همه تغییر باعث شد در انتخابات ۱۳۹۲ که جامعه تشنه تکنوکراسی مدرن بود، شکست مجدد نصیبش شود و پس از آن هم نقش انتخاباتی او به کناره گیری به سود نامزد انقلابی تر یا انتظار بر آن خلاصه شد. در واقع باید گفت این تغییرات کاراکتر قالیباف به جای جلب بخشی از هر دو سبد رای اصلی جامعه، رای هر دو را از او رانده است.

رای دهنده‌ای که به دنبال توسعه و عادی سازی روابط با جهان است، همواره نامزد میانه روها یا اصلاح طلبان را به او ترجیح می‌دهد. ایضاً رای دهنده انقلابی میان او و شهید رئیسی سال ۱۳۹۶ یا جلیلی ۱۴۰۳، حتماً به گزینه‌های دیگر متمایل تر است چرا که رای او غالباً وجه ایدئولوژیک و نه توسعه محور دارد. بنابراین همواره در رقابت‌های انتخاباتی انتظار از محمدباقر قالیباف کناره‌گیری به سود نامزد انقلابی تر و کلاسیک تر است: امری که به غایت موجب ناخرسندی اوست. با نگاهی واقعی تر اتفاقاً در این صحنه استدلال رقبای محمدباقر قالیباف مسموع تر به نظر می‌رسد و لذا می‌توان فهمید که چرا جذابیت او برای مخاطب عام سقوط قابل توجهی کرده است: او نه یک تکنوکرات کارآمد کامل است و نه یک انقلابی ایدئولوژیک کامل.

شاید قالیباف دیگر هیچگاه بخت یا اقبال سیاسی لازم را برای شرکت مجدد در انتخابات ریاست جمهوری نداشته باشد و با توجه به تکرار این شکست‌ها دیگر به صلاح او هم نیست که این آرزوی دیرینه‌اش را دنبال کند اما حفظ گفتمان در درازمدت آن چیزی است که او به عنوان لازمی اکتساب رای سیاستمداران از مردم به اکتساب وجه به نمایش گذاشت. همگن نبودن خواسته‌ها، ظواهر، زندگی شخصی و عملکرد او در طول زمان، علیرغم اقبالی که همیشه در تایید صلاحیت‌ها متوجه او بوده است نهایتاً منجر به روی آوردن بخش قابل توجهی از مردم به او نشد. امری که در آموزه‌های مربوط به انتخابات در علم سیاست شایسته‌ی توجه و عبرت آموزی است.

خشم طرفداران و بازنمایی مجدد تصویر تکنوکرات روزآمد که در روزهای پسا انتخابات شاهد آن هستیم نوعی تکرار اشتباه اوست و نشان از این دارد که وی در درون خویش و جریان متبوعش هرگز به علت بنیادین عدم اقبالی که در انتخابات ریاست جمهوری نصیبش شد پی نبرده و قائل نیست.

*** مدرس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران**

۲۷۲۱۵

برای دسترسی سریع به تازه‌ترین اخبار و تحلیل رویدادهای ایران و جهان **اپلیکیشن خبرآنلاین** را نصب کنید.